

پیک یزدان

سخنران: دکتر نصرت‌الله محمد حسینی

تاریخ اجراء: ۲۹ اکتبر ۲۰۰۴

سخنرانی صد و چهل و ششم

موضوع: ضوابط تربیت روحانی بهائی

رادیو پیام دوست: شنوندگان عزیز رادیو پیام دوست، آقای دکتر نصرت‌الله محمدحسینی استاد پیشین دانشگاه تهران و پژوهشگر بهائی، در مسیر شرح تاریخ و تعالیم دیانت بهائی که خود بخشی از بحث کلی ایشان در باره تاریخ و تعالیم آئین‌های آسمانی به ویژه وحدت اساس ادیان الهی است، اصل تقدّم تربیت روحانی را مورد مطالعه تفصیلی قرار دادند و اظهار داشتند که تعلیم و تربیت دختران و پسران در آئین بهائی امری اجباری و عمومی است و قصور پدران و مادران در این امر حیاتی موجب سقوط حقّ پدری و مادری آنان و گناهی نابخشودنی است. آقای دکتر محمدحسینی همچنین بیان داشتند که تربیت روحانی یعنی تربیت ایمانی و اخلاقی کودک از حیث مقام و اهمیتّ مقدّم بر تربیت جسمانی و علمی اوست. اما هرگز نباید در کودک تعصّبات جاهلانه بیافریند. ایشان ضمن بررسی مکاتب متعدّد علمی بدین نتیجه رسیدند که جرم و اعتیاد دو پدیده جامع‌زادند و اصولاً فقدان تربیت روحانی عامل اساسی کجروی و بزهکاری و ابتلاء به اعتیاد است. ایشان در چند هفته اخیر به توضیح ضوابط مربوط به تربیت روحانی بهائی مبادرت نمودند و تأثیر این تربیت را در مراحل جنینی، نوزادی و خردسالی کودک مورد بررسی قرار دادند. امروز آقای دکتر محمدحسینی توضیح اصل تقدّم تربیت روحانی را به ویژه در ارتباط با محیط آموزشگاه ادامه می‌دهند.

دکتر محمد حسینی: سپاسگزارم، شنوندگان عزیز و پر مهر و باوفای رادیو پیام دوست، پس از درود فراوان، هفته گذشته در پی توضیح عواملی اجتماعی که در منش کودک آثاری بسیار نامطلوب بجای می‌گذارند به موضوع غیبت اشاره نمودیم که به فرموده حضرت بهاءالله سراج قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند. به عرض رسید، پدر و مادری که سراج قلبشان، نورچراغ قلبشان خاموش است و دلشان مرده است هرگز قادر بر تربیت روحانی کودک خویش نیستند. غیبت، اعتماد کودک را از پدر و مادر سلب می‌نماید. صرف مسکرات و مخدرات و آلودگی به قمار وسیله پدران و مادران از دیگر عوامل شوم آفرینش کجروی و بزهکاری در کودکان معصوم است. ریاء، تظاهر، بخل و خست، سختگیری‌های بی‌جا و بی‌دلیل همه از عوامل

خلق کجروی در کودکانند. فریبکاری به ویژه خیانت پدر به مادر و یا مادر به پدر خانمان برانداز است. در کتاب «تربیت روحانی، جرم و اعتیاد» توضیح داده‌ایم که بسیاری از کودکان بزهکار و معتاد از محیط‌های خانوادگی نابسامانی می‌آیند که زن و شوهر به یکدیگر خیانت کرده‌اند. بنده طی سال‌ها در کشور کانادا به هنگام مصاحبه با مجرمانی که مجازاتشان پس از مدّت‌ها محبوسیت معلق گشته و در مراکز مخصوصه تحت تأدیب و تربیت بوده‌اند، از خاطرات تلخ دوران کودکی‌شان، حکایات بسیاری در این باب شنیده‌ام که برخی را در کتاب یاد شده آورده‌ام. یکی از آنان که پنجاه و پنج سال داشت و به تازگی از زندان دراز مدّت رها گشته بود می‌گفت «هرهنگام از محله‌ای گذر می‌کنم و صدای اعضاء یک خانواده شاد را می‌شنوم که در کمال گرمی و عشق کنار یکدیگر نشسته غذا تناول می‌نمایند اشک در چشمانم حلقه می‌زند. به یاد روزهایی می‌افتم که پنج یا شش سال داشتم و به همین گونه در خانه شادمانه بودم تا آنکه پدرم با زنی بیگانه ارتباط یافت و کانون خانوادگی ما را بهم ریخت. مادرم هر چه او را نصیحت نمود سودی نداشت ناچار از او طلاق گرفت. همه ما به رنج و مشقت دچار گشتیم. مادرم بر اثر مصائب و بلایا درگذشت و پدرم نیز به علت خیانت معشوقه‌اش او را کشت و به زندان محکوم گشت و چند سال بعد در زندان درگذشت. من کمتر از دوازده سال داشتم که به موادّ مخدّر معتاد شدم. سر انجام مرتکب جرائم بسیار شدم و بهترین سال‌های حیات خویش را در زندان بسر بردم. اینک که پنجاهوپنج سال دارم هرگاه از محله دوره کودکیم رد می‌شوم صدای خنده اعضاء خانواده‌ام را به گوش جان می‌شنوم و اشک در چشمانم حلقه می‌زند. به یاد می‌آورم که چگونه یک هوس زودگذر پدرم کانون خانوادگی ما را بهم ریخت و آن سامان به نابسامانی بدل گشت».

باری حضرت عبدالبهاء در پی بیان ضوابط و مقرّرات تربیت روحانی بهائی به عین عبارت می‌فرمایند:

«انسان باید به وفا قیام نماید و ثبوت و استقامت بنماید علی‌الخصوص به قرین و همنشین خویش ... زیرا حقوق در بین این دو قدیم و محکم و متین است و انسان آنچه بکوشد از عهده اكمال

(مأخذ: قاموس کتاب اقدس)

برنیاید»

در بیان دیگر به عین عبارت می‌فرمایند:

«حیات عائله باید مثل حیات ملائک سماء باشد، روحانیت و سرور باشد، اتحاد و اتفاق باشد،

موافقت جسمانی و عقلانی باشد، خانه منظم و مرتّب باشد»

در همین بیان در خصوص زن و شوهر بهائی می‌فرمایند:

«چون دو مرغ بر شاخسارهای شجر وحدت و یگانگی بسرایند. همیشه پر فرح و سرور باشند.

اطفال خود را خوب تربیت نمایند...»

(قاموس کتاب اقدس)

این بیانات از حضرت عبدالبهاء بود که قرائت گردید.

پدران و مادران باید از هرگونه مجادله و مشاجره به ویژه در حضور کودکان پرهیز نمایند. زنان و شوهرانی که قادر بر ادامه زندگی با یکدیگر نیستند و در اندیشه گسستن‌اند نباید هرگز اختلافات خویش و به ویژه موضوع طلاق را در حضور کودکان خردسال مطرح نمایند. اگر چه کودکان آثار نامطلوب و رائحه کریه آن را خیلی زود در می‌یابند. پس از وقوع طلاق موضوع باید به نحو مطلوب به جهت کودکان خردسال توضیح گردد و علل طلاق با زبانی در حد فهم آنان شرح داده شود تا قانع شوند که طلاق واقعاً به مصلحت همگان بوده است. اجتناب از اختلاف‌نظر در کاربرد روش‌های تربیت کودک ضروری است. اگر پدر و مادر در نحوه تربیت کودک توافق ندارند کودک نباید به هیچ وجه این عدم توافق را احساس نماید. پدر و مادر باید در خلوت با یکدیگر مذاکره کنند و در صورت ادامه اختلاف به متخصصان مربوطه مراجعه نمایند تا رفع اختلاف گردد و یا راه حلی پیدا شود.

باری حضرت عبدالبهاء در بیانات حضرتشان به تفصیل به بررسی اهمیت و چگونگی تشکیل آموزشگاه‌ها، سن ورود کودکان بدانها که حدود پنج سالگی است، محتوای برنامه آموزشی در کودکانها و دبستانها، اصل وحدت تعلیم و تربیت، رفع هرگونه تبعیض به ویژه از بانوان در این جهت، تقدّم تربیت دختران و فلسفه آن مبادرت فرموده‌اند. شرائط معلمان و مربیان را مقرر فرموده‌اند. حتی نوع ساختمان و محلّ بنای مدارس را بیان کرده‌اند. آنچه آن حضرت حدود یکصد سال پیش بیان فرموده‌اند در جمیع مدارس بهائی چه در طهران و چه در دیگر نقاط کشور مقدّس ایران به مرحله عمل درآمده است. چون درهای این مدارس به روی همگان از هر طبقه و آرمان باز بوده است بسیاری از کودکان که از خاندان بهائی نبوده‌اند در آن مدارس همان آموخته‌اند که کودکان بهائی فراگرفته‌اند. به یاد دارم به هنگام نوجوانی برای یک احتفال بهائی نام و سرگذشت بانوانی را فراهم کرده بودم که در ایران آن زمان نقش حسّاسی در تربیت همگان به ویژه تنویر افکار بانوان داشتند و همگی در دوران کودکی در مدرسه دخترانه تربیت طهران که مدرسه بهائی بود تحصیل دانش نموده بودند. روش‌های تعلیم و تربیت که حضرت عبدالبهاء در بیانات مبارکه حضرتشان حدود یکصد سال پیش ارائه فرموده‌اند و در دور افتاده‌ترین دهکده‌های گمنام کشور مقدّس ایران وسیله معلمان و مربیان بهائی، بانوان و مردان جانفشانی که همه هستی

خویش را در این طریق فداء نمودند، به عرصه عمل درآمده است: امروزه از مؤثرترین و ارزشمندترین روش‌های علمی محسوب می‌شوند. این روش‌ها امروزه در مدارس مترقی عالم مورد عمل‌اند و نیازی به بررسی آنها در این برنامه محدود، زمانی نیست. تنها تربیت روحانی کودکان است که نسبت به آن در مدارس عالم قصور کامل دیده می‌شود. حضرت عبدالبهاء با آفرینش نهاد بدیعی تحت عنوان کلاس «درس اخلاق نونهالان» به پدران و مادران اکیداً توصیه فرموده‌اند که در کلاس‌های درس اخلاق به کودکان مقررات اخلاق جهانی بهائی که مبتنی بر راستی، درستی، عدالت، امانت و شفقت به همه اعضا جامعه بشریت است تعلیم گردد.

باری حال که به دوران جنینی، نوزادی، خردسالی و ایام تحصیل کودک در دبستان اشاره کرده‌ایم به جاست که به دوران نوجوانی او نیز اشارتی شود و نقش تربیت روحانی در این ایام مورد بررسی قرار گیرد. ورود به دبیرستان مقارن با آغاز نوجوانی است. نوجوانی (Adolescence) به علت افزایش میزان توقع حیات در زمان ما به اعتباری به سال‌های میان دوازده یا سیزده سالگی تا نوزده سالگی شخص اطلاق می‌شود که حسّاس‌ترین سال‌های زندگی اوست. نوجوان مسؤولیت‌های اجتماعی و از جمله روحانی می‌یابد. ملزم به اداء صلوٰه (یعنی نماز) و اجراء حکم صیام (یعنی روزه) می‌گردد. اجازه ازدواج می‌یابد و کم‌کم وارد بازار اقتصادی به اصطلاح می‌شود. اما طی این سال‌ها آسان نیست. اگر چه به اعتباری بهترین سال‌های حیات انسانی است، به اعتبار دیگر خطرناک‌ترین ایام حیات است. آغاز نوجوانی در دختران و پسران با تغییرات بارز زیستی به ویژه جنسی و نیز دگرگونی‌های عاطفی جلوه می‌نماید. مادران و پدران آگاه باید حتماً با متخصصان مربوطه در باب تغییرات دوره نوجوانی فرزندان خویش مشورت نمایند و به ویژه در مسائل جنسی کودکان خود را تعلیم و تربیت بخشند. اگر چه به نظر صحیح می‌رسد که مقدمات این کار سال‌ها پیش از آغاز نوجوانی فراهم گردد. تلاش پدران و مادران و مربیان باید در این جهت باشد که به کودک بیاموزند آئین بهائی اجازه می‌دهد که انسان از همه مزایا و زیبایی‌های عالم وجود در حدّ معقول و مشروع بهره‌برد و تشقی انگیزه جنسی یکی از همان مزایاست و هرگز سرکوب نمی‌شود ولیکن نمی‌تواند بی‌بند و بار باشد و دقیقاً باید تحت نظام مخصوصی اعمال گردد و ازدواج تنها راه مصوّب ملکوتی تشقی انگیزه جنسی است. به نوجوان بهائی باید آموخته شود که شخص بهائی باید جوهر عفت و عصمت باشد و به عین عبارت حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند:

«ذره‌ای از عصمت، اعظم از صد هزار سال عبادت و دریای معرفت است».

حضرت شوقی ربّانی ولی امر بهائی در خصوص بی‌بند و باری‌های موجود در جهان امروز می‌فرمایند: آئین بهائی ارزش انگیزه جنسی را نادیده نمی‌گیرد ولیکن هرگونه عمل خلاف عفت چون روابط آزاد خارج از ازدواج زن و مرد را مردود می‌شناسد و باور دارد که این روابط آزاد به جامعه و اعضاء آن بسیار زیان می‌رساند. استفاده مشروع از غریزه جنسی حق آدمی است و دقیقاً به منظور تشقّی این انگیزه است که نهاد ازدواج مقرر گشته است. بهائیان عقیده ندارند که باید انگیزه جنسی را سرکوب نمود بل تأکید می‌نمایند که تشقّی این انگیزه باید تحت نظارت و مقرّرات خاصّ انجام یابد» (این مفاد بیان حضرت شوقی ربّانی بود که به فارسی ترجمه گشت)

باید توجه داشت که مراد از مقرّرات خاصّ به استناد همین بیان و دیگر بیانات حضرت شوقی ربّانی نهاد ازدواج است.

سپاسگزارم

©2005 Bahá'í International Radio Service, "Payam-e-Doost" Radio Program (www.bahairadio.org)

حقوق کلیه مطالب درج شده در سایت "رادیوی پیام دوست"، برنامه فارسی رادیوی بین‌المللی بهائی، محفوظ است. این متن تنها برای مطالعه شخصی است و استفاده از آن به شرط ذکر منبع "رادیو پیام دوست" و بدون هیچگونه تغییر و یا ویراستاری مجاز می‌باشد.